

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینه ایران

شباهنگ راد

۲۰ سپتمبر ۲۰۱۳

سازمان اکثریت و یادمان قربانیان کشتار زندانیان سیاسی تابستان ۶۷

براستی که "هم نام و آن ننگ جادوانی است"

قرار است که سازمان اکثریت در بیست و یکم سپتمبر، در گرامی‌داشت جان‌باختگان سال ۶۷، مراسمی را تحت عنوان "هم آن نام و هم آن ننگ جادوانی است" در برلین المان برگزار نماید. سازمانی که مدت‌ها همراه عملی رژیم جمهوری اسلامی بوده و در دستگیری کمونیست‌ها و مبارزان، و در پس زدن جنبش‌های اعتراضی دست داشته است. دنیای بس در هم ریخته‌ای شده است. هر یک از جناح‌های متفاوت سرمایه و مدافعان آن، این‌روزها و با دغل‌کاری تمام هر آنچه را که بر سر مردم و فرزندان‌شان آورده‌اند، وارونه جلوه می‌دهند و پای خود را از آن رخداد‌های تلخ و غم‌انگیز به کنار می‌کشند. عجب زمانه‌ای شده است و کسانی این‌روزها، سنگ دفاع از مردم و زندانیان سیاسی را به سینه می‌زنند که خود در کشتار و شکنجه آنان نقش مستقیمی داشته‌اند. واقعیت این است که جنایات رژیم جمهوری اسلامی بی‌حد و حصر است و بخشی از ماندگاری خود را، مدیون مدافعان سرمایه و همکاران عملی خود در دهه شصت می‌باشد. همکاری که دوشادوش نیروهای سرکوب‌گر نظام، در خیابان‌ها و در کوچه و پس کوچه‌های ایران به شکار کمونیست‌ها و سایر مبارزان پرداختند تا چرخه "مبارزه ضد امپریالیستی" جمهوری اسلامی از حرکت باز نایستد!

تخطئه و دخالت‌گری در سرکوب جنبش ترکمن‌صحرا، کردستان، بازگشائی دفاتر در مراکز سرکوبی همچون سپاه، به دام انداختن مخالفان نظام و کمونیست‌ها از جانب مدافعان امروزی قربانیان دهه شصت، یکبار دیگر، این واقعیات را در برابر هر انسان مدافع آزادی و رهائی قرار می‌دهد که بخش اعظمی از پیشرفت انقلاب و روشن‌گری جنبش‌های اعتراضی، منوط به طرد و افشای جریان‌ات خائنی همچون سازمان اکثریت می‌باشد. در حقیقت به‌همان میزانی که نسل جوان امروزی را باید هر آنچه را که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی بر سر مردم و فرزندان‌شان آورده‌اند را مطلع ساخت، به‌همان میزان هم می‌باید ریاکاری و همکاری‌های عملی سازمان‌هایی همچون اکثریت را بر ملا نمود و اجازه نداد، تا افکار عمومی و به ویژه نسل جوان امروزی به مسیر ناصحیح سوق داده شود. لازم است تا در دنیای بلبشو و در دنیای عقب‌نشینی درازمدت جریان‌ات کمونیستی، حافظه تاریخی را زنده نگه داشت و مانع هرگونه اغتشاش و ناروشنی در صفوف جنبش‌های اعتراضی – روشن‌فکری گردید.

البته که پرونده و جایگاه این سازمان در هر دوره‌ای مملو از خیانت، تسلیم‌طلبی، همکاری و مراوده با سران نظام و همچنین دست‌بوسی جناح‌های متفاوت رژیم جمهوری اسلامی می‌باشد. سرنوشت این سازمان به‌مانند همه سازمان‌ها و عناصر وابسته به سرمایه روشن و مبراست. اسناد کاملاً مبرهنی وجود دارد که بر تعلق و وابستگی این سازمان به

سرمایه را صحنه می‌گذارد و بر همین اساس، به هیچ وجه نمی‌شود و نمی‌توان، قلم‌ها را بناحق، به نفع سازمان اکثریت به گردش آورد و هر آنچه را که کرده و می‌کند، از اذهان عمومی پنهان ساخت؛ نمی‌شود و نمی‌توان با هیچ عطر و بوئی، افکار و تن‌گنبد این سازمان را معطر و خوشبو نمود.

شکی در آن نیست که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی مرتکب بزرگترین جنایات در حق میلیون‌ها انسان محروم و زحمتکش گردیده‌اند، اما در کنار آن‌ها جامعه و مردم هم، به‌عینه شاهد بودند که چگونه سازمان‌هایی همچون سازمان اکثریت، هزاران تن از کمونیست‌ها و سایر مبارزان و مخالفان را به بهانه پیش‌رفت انقلاب ضد امپریالیستی حاکمیت، و آن‌هم در دهه شصت روانه سیاه‌چال‌های نظام نمود. اگر این‌روزها اکثریت بنابه ده‌ها دلیل خود را به خواب زده و فراموش نموده است که صدها زندانی اعدام شده سال ۶۷، همان کسانی بودند که توسط این سازمان و کت بسته گرفتار ارگان‌های سرکوبگر نظام گردیدند، اما ذهن جامعه انسانی، چنین وظایف نکبت‌باری را فراموش ننموده است و می‌داند، که چگونه این سازمان در لوای دفاع از منافع کارگران، زحمت‌کشان و فرزندان‌شان در کنار سردمداران رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته است و گام به‌گام به نابودی جنبش‌های اعتراضی گردن نهاد.

آری، هرگز و هرگز خانه خراب‌کنان زنده‌گانی مردم فراموشی شدنی نیستند. مگر می‌توان هزاران درد و مصیبتی را که جانین بشریت بر سر مردم آورده‌اند، از یادها بُرد؟ مگر می‌توان درد و رنج هزاران مادر و پدري را فراموش نمود که جلادان و شکنجه‌گران، مانع آخرین دیدار و وداع با جگر گوشه‌های‌شان گردیدند؟ مگر می‌شود و می‌توان از یادها بُرد که چگونه دسته دسته از کمونیست‌ها در خیابان‌ها و با همکاری‌های عملی سازمان‌هایی همچون اکثریت و حزب توده شکار شدند و در مدتی کوتاه، سرکوبگران سینه‌شان را مشبک نمودند؟ آری، تابستان هر سال جدا از این‌که یادآور رشادت‌ها و دلاوری‌های بهترین فرزندان خلق‌های ستم‌دیده ایران است، در همان‌حال یادآور جنایت‌کاری‌های سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و همکاران عملی آن می‌باشد. خوشبختانه جنبش‌های اعتراضی رادیکال و جامعه انسانی به انتظار نشسته است، تا روز و روزگاری، توان هر آنچه را که منادیان سرمایه بر سر کارگران، زحمت‌کشان و فرزندان‌شان آورده‌اند، باز پس گیرند.

حقیقتاً که زمانی جنبش‌ها و سازمان‌های کمونیستی و انقلابی و آن‌هم بنابه ده‌ها دلیل، پس کشیده و یا پس زده می‌شوند، جامعه شاهد عروج هر کس و ناکسی، و همچنین شاهد، "دل‌سوزی"، "تعلق" عناصر، سازمان‌ها و احزابی است که وظیفه و رسالت‌شان چیزی جز تلف نمودن هر چه بیش‌تر زندگانی مردم و نابودی کمونیست‌های راستین و انقلابی نیست. سازمان اکثریت را به جرأت می‌توان از این‌دست سازمان‌ها به حساب آورد. همان سازمانی که از یک‌طرف در پی مدارا و مرادوات با رژیم جمهوری اسلامی است، و از طرف‌دیگر دوره و خاطره‌ای را گرامی می‌دارد که خود در وقوع آن نقش مستقیمی داشته است؛ یاد قربانیان کُشتار ۶۷ را گرامی می‌دارد که خود نقش بسزائی در بروز چنین رخداد تلخ و ناگواری داشته است.

به بیانی دیگر اکثریت بخوبی می‌داند که صدها تن از قربانیان سال ۶۷، همان کسانی بودند که توسط خود آنان گرفتار پولیس شدند؛ می‌داند که صدها تن از آنان، همان کسانی بودند که دوره و محکومیت چندین ساله‌شان به اتمام رسیده بود و در سال ۶۷ و آن‌هم در دادگاه‌های فرمایشی و چند ثانیه‌ای، به جوخه‌های مرگ سپرده شدند؛ می‌داند که دوشادوش سپاه و بسیج و در خیابان‌ها در مقابل کمونیست‌ها و مبارزان و مخالفان قرار گرفته است تا مبادا روند مبارزه "ضد امپریالیستی" سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، در دست‌اندازی‌های انقلاب گیر کند. و ... به واقع که سازمان اکثریت از چنین گذشته و پشتوانه "درخشانی" برخوردار می‌باشد و ننگ آن، تا ابد بر پیشانی‌اش حک شده است و پاک شدنی نیست.

باری، همکاران عملی دیروز رژیم جمهوری اسلامی و مدافعان امروزی جناح‌های متفاوت نظام و سرمایه، وقاحت و چشم دریدگی را به حدی رسانده‌اند که به پاس روزها و دورانی می‌نشینند که خود در بخشی مولد آنند؛ به "سوگ" تابستان ۶۷ می‌نشینند که با دستان خود، صدها تن را به دم تیغ جلادان و شکنجه‌گران رژیم جمهوری اسلامی روانه ساختند. با این تفصیل و بر مبنای چنین اعمال سراسر نکبت‌باری، مجاز نیست - و در حقیقت سیاست‌هایش از چنین ظرفیتی برخوردار نمی‌باشد - تا یاد آن عزیزانی را گرامی دارد که خود در کُشتار آنان دخیل بوده است.

پذیرفتنی‌ست که دنیا وارونه شده است و هیچ کس و هیچ "سازمان" و یا "حزبی"، در سر جای واقعی خود قرار ندارد؛ اما در چنین دنیای ناروشن و بی‌عملی، یک چیز را می‌توان با صراحت تمام اعلام نمود و آن این است که نمی‌توان، جایگاه و کارکرد انقلابیون و کمونیست‌های وفادار به مردم را با سازمان‌های مدافع نظام‌های سرمایه، و همچنین همکاران عملی رژیم جمهوری اسلامی مخدوش نمود و با برگزاری مراسم‌هایی همچون یادمان قربانیان کُشتار سال ۶۷، چهره کثیف و ماهیت ضد انقلابی خود را بزک نمود. در حقیقت این سازمان در جایگاه و مقامی نیست تا به پاس جان‌باختگان سال ۶۷ بنشیند؛ چرا که باید پاسخگوی اعمال سراسر کثیف خود در به قتل رساندن صدها کمونیست و مبارز دهه شصت باشد.

این‌جاست که هم آن جنایات فراموش شدنی نیستند و هم اعمال سراسر کثیف سازمان اکثریت به‌همراه همه جانین بشریت، ابدی و جادوانی خواهند ماند.

۱۹ سپتامبر ۲۰۱۳

۲۸ شهریور [سنبله] ۱۳۹۲